



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 16 Issue: 45
winter 2026

Pages: 141-164

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2025.67320.2576

Received: 2025/05/15 Received in revised form: 2025/11/22 Accepted: 2025/12/15 Published: 2026/02/28

Mohammad Khan Zanganeh: An Analysis of Power, Diplomacy, and Agency in Qajar Azerbaijan (1860–1878 CE / 1246–1257 AH)

Shahnaz Mahmoudi^۱ | Kaivan Shafei^۲ | Mohammad Ghorban Kiany^۳ | Sajjad Dadfar^۴

Abstract

This research aims to examine and analyze the role of Mohammad Khan Zanganeh, Amir Nezam (Governor-General) of Azerbaijan during the Qajar era, by exploring various dimensions of his power and diplomacy in the province. Mohammad Khan Zanganeh, relying on his family lineage and personal merits, managed to gain the trust of Abbas Mirza and Mohammad Shah Qajar, becoming one of the main agents of the government. After Abbas Mirza's departure from Azerbaijan, he effectively assumed responsibility for administering the province and engaging with the political representatives of foreign governments. Following the death of Fath-Ali Shah and during the succession crisis, Mohammad Khan played a key role in stabilizing the reign of Mohammad Mirza through military support. This study, employing an analytical-historical approach and relying on primary sources, examines the background and circumstances of Mohammad Khan's presence at the Qajar court. It investigates his role in maintaining security and tranquility in Azerbaijan, managing both the internal and external affairs of the province, and pursuing the rights of Iranian citizens. The findings of this research indicate that Mohammad Khan Zanganeh, utilizing his political intelligence, diplomatic skills, and military capabilities, played a significant role in consolidating Qajar power and preserving Iran's interests in the Azerbaijan region.

Keywords: Mohammad Khan Zanganeh, Azerbaijan, Qajar, Diplomacy, Power.

^۱. Ph.D Candidate in History of Iran after Islam, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Iran
shahnaz.mahmoudi@iau.ac.ir

^۲. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Iran
(Corresponding Author) kaivan.shafei@iau.ac.ir

^۳. Assistant Professor Department of History, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Iran
mahammad.kiany@iau.ac.ir

^۴. Associate Professor, Department of Historical Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran
sdadfar@razi.ac.ir



شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۰۲

دوره: ۱۶، شماره: ۴۵

زمستان ۱۴۰۴

صفحات: ۱۶۴-۱۴۱

تاریخ نامه ایران بعد از اسلام



DOI: 10.22034/jiiph.2025.67320.2576

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

محمدخان زنگنه: تحلیل قدرت، دیپلماسی و کارگزاری در آذربایجان قاجاری (۱۲۴۶-۱۲۵۷ق)

شهناز محمودی^۱ کیوان شافعی^۲ محمدقربان کیانی^۳ | سجاد دادفر^۴

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل نقش محمدخان زنگنه، امیرنظام آذربایجان در دوره قاجار، به واکاوی ابعاد مختلف قدرت و دیپلماسی وی در این ایالت می‌پردازد. محمدخان زنگنه، با اتکا به تبار خانوادگی و شایستگی‌های فردی، توانست اعتماد عباس‌میرزا و محمدشاه قاجار را جلب نموده و به یکی از کارگزاران اصلی حکومت تبدیل شود. با خروج عباس‌میرزا از آذربایجان، او عملاً مسئولیت اداره این ایالت و تعامل با نمایندگان سیاسی دول خارجی را بر عهده گرفت. پس از فوت فتحعلی‌شاه و در بحران جانشینی، محمدخان با حمایت نظامی از محمد میرزا نقشی کلیدی در تثبیت سلطنت وی ایفا کرد. پژوهش حاضر، با استفاده از رویکردی تحلیلی-تاریخی و تکیه بر منابع دست‌اول، ضمن بررسی پیشینه و چگونگی حضور محمدخان در دربار عباس‌میرزا قاجار، نقش وی را در حفظ امنیت و آرامش آذربایجان، مدیریت امور داخلی و خارجی این ایالت، و همچنین پیگیری حقوق اتباع ایرانی موردبررسی قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که محمدخان زنگنه با بهره‌گیری از هوش سیاسی، مهارت‌های دیپلماتیک، و توانایی‌های نظامی، نقش بسزایی در تثبیت قدرت قاجار و حفظ منافع ایران در منطقه آذربایجان ایفا نموده‌است.

کلیدواژه‌ها: محمدخان زنگنه، آذربایجان، قاجار، دیپلماسی، قدرت.

shahnaz.mahmoudi@iau.ac.ir

kaivan.shafei@iau.ac.ir

mahammad.kiany@iau.ac.ir

sdadfar@razi.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، ایران

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، ایران

۴. دانشیار گروه علوم تاریخی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران



مقدمه

در تاریخ سیاسی ایران عصر قاجار، محمدخان زنگنه، امیرنظام مقتدر آذربایجان در دوران ولیعهدی عباس میرزا و سال‌های آغازین سلطنت محمدشاه، از چهره‌های کمترشناخته‌شده‌ای است که خدماتش در هیاهوی تاریخ قاجار مغفول مانده‌است. اهمیت او در مسئولیت‌های سنگین و موفقیت‌آمیزش در آذربایجان، یکی از مهم‌ترین ایالات ایران، در دوره‌ای پرتلاطم و حساس نهفته‌است. این پژوهش، با هدف بررسی ابعاد گوناگون نقش محمدخان زنگنه در سیاست داخلی و خارجی ایران در دوره قاجار، تدوین شده‌است.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که محمدخان زنگنه با اتکا به چه توانمندی‌هایی توانست نقشی مؤثر در دوره پرآشوب قاجار ایفا کند و چگونه از جایگاه خود در آذربایجان برای اعمال قدرت و پیشبرد اهداف دیپلماتیک استفاده نمود؟ فرضیه اصلی این است که وی با هوش سیاسی، مهارت‌های دیپلماتیک، شناخت عمیق از اوضاع و تکیه بر جایگاه کارگزاری، ضمن حفظ ثبات و امنیت آذربایجان، از منافع ایران در برابر تهدیدات داخلی و خارجی دفاع کرده و در تثبیت قدرت قاجار نقش بسزایی ایفا نمود. این پژوهش با تکیه بر منابع دست‌اول تاریخی (منشآت قائم‌مقام فراهانی، اسناد آرشیو وزارت امور خارجه، گزارش‌های دیپلماتیک و خاطرات رجال سیاسی)، به بررسی نقش محمدخان زنگنه در سه حوزه کلیدی می‌پردازد:

۱. مدیریت و امنیت آذربایجان: بررسی نقش وی در مدیریت و تأمین امنیت آذربایجان در دوران غیبت عباس میرزا و مقابله با شورش‌ها؛
۲. دیپلماسی و روابط خارجی: تحلیل اقدامات دیپلماتیک محمدخان در تعامل با دولت‌های خارجی و تأمین منافع ایران؛
۳. انتقال قدرت: بررسی نقش وی در انتقال قدرت به محمد میرزا پس از مرگ فتحعلی‌شاه و تثبیت حکومت قاجار.

پیشینه تحقیق

شخصیت و نقش تاریخی محمدخان زنگنه در چارچوب تاریخ محلی آذربایجان و نظام اداری-نظامی دوره قاجار، در قالب پژوهش‌های متعددی مورد اشاره و بررسی قرار

گرفته‌است. این تحقیقات را می‌توان در سه حوزه اصلی زیر دسته‌بندی نمود:

۱. پژوهش‌های مرتبط با نقش نظامی و سیاسی محمدخان زنگنه:

در کنار منابع کلاسیک و تاریخ‌های عمومی عصر قاجار (مانند *روضه‌الصفای ناصری* رضاقلی‌خان هدایت و *ناسخ‌التواریخ* محمدتقی‌خان سپهر...) که در ضمن ثبت رویدادهای سیاسی-نظامی آن دوره به‌طور پراکنده به محمدخان زنگنه اشاره کرده‌اند، پژوهش‌های معاصر با تمرکز ویژه‌تر، جنبه‌هایی از کارنامه او را کاویده‌اند. برای نمونه، نائیبیان و علی‌پور سیلاب (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با تمرکز بر نقش نظامی وی در جنگ‌های ایران و روس و همچنین ریاست هیئت اعزامی به روسیه، معرفی اولیه و مفیدی از این چهره ارائه داده‌اند. این مقاله، راه را برای بررسی دقیق‌تر فعالیت‌های دیپلماتیک محمدخان زنگنه در عرصه روابط خارجی گشوده‌است.

۲. پژوهش‌های مربوط به منصب امیرنظام و ساختار اداری آذربایجان:

قدیمی قیداری و هاشمیلر (۱۳۹۸) در مقاله‌ای مهم به بررسی تحول تاریخی منصب امیرنظام از دوره محمدخان زنگنه تا تبدیل آن به لقبی تشریفاتی پرداخته‌اند. این تحقیق با ارائه خوانشی نهادمحور، بستر ساختاری لازم برای تحلیل نقش‌آفرینی دارندگان این منصب را روشن می‌سازد. در ادامه، پژوهش همان مؤلفان (۱۴۰۰) با تمرکز بر مقام «پیشکاری» در آذربایجان، ساختار اداری این ایالت را کاویده و به‌اختصار از محمدخان زنگنه به‌عنوان یکی از پیشکاران نام برده‌اند. این مقاله، درک ما را از سیستم حکمرانی محلی در عصر قاجار غنی‌تر ساخته‌است.

۳. جایگاه مقاله حاضر در نسبت با پژوهش‌های پیشین:

پژوهش‌های ارزشمند پیش‌گفته، هر یک زوایای مهمی از حیات سیاسی و اداری محمدخان زنگنه را روشن ساخته و بنیان محکمی برای مطالعات بعدی فراهم آورده‌اند. مقاله حاضر با وام‌گیری از دستاوردهای این تحقیقات و در تکمیل آن‌ها، می‌کوشد با تمرکز بر دوره کلیدی ۱۲۴۶-۱۲۵۷ ق. و با استناد به اسناد دست‌اول (مانند منشآت قائم‌مقام و اسناد آرشیوی)، تصویری یکپارچه و تحلیلی از کارگزاری محمدخان زنگنه در سه عرصه به دست دهد:

۱. اداره و امنیت آذربایجان در غیاب عباس میرزا؛

۲. دیپلماسی میدانی با دول همسایه؛

۳. نقش وی در تثبیت سلطنت محمدشاه.

بدین ترتیب، این نوشتار در پی ارائه تحلیلی متمرکز بر یک بازه زمانی خاص و نقش آفرینی هم‌زمان زنگنه در عرصه‌های حکمرانی داخلی، دیپلماسی و تحولات ملی است تا از این رهگذر، درک موجود از پیچیدگی‌های کارگزاری ایالتی در دوره گذار قاجار را تعمیق بخشد.

پیشینه تبار زنگنه و تحولات جایگاه آن از صفویه تا قاجار

برای فهم جایگاه محمدخان زنگنه، فرزند حاج علی خان، حاکم کرمانشاه در روزگار زندیه، باید سیر تاریخی ایل زنگنه را در پیوند با قدرت مرکزی دید. این ایل کهن کُرد از عصر صفویه، به‌ویژه پس از اصلاحات نظامی شاه‌عباس اول، با تکیه بر توان رزمی و وفاداری اداری، در سپهر حکمرانی ایران صعود کرد، چنان‌که از عهد شاه صفی، حکومت سنقر، کلهر و دینور (کرمانشاه) به خاندان علی بیگ زنگنه سپرده شد (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۸۲؛ رهبرن، ۱۳۴۹: ۱۱). این ارتقای نهادی، زنگنه‌ها را به کارگزاران مهم امنیت راهبردی و مدیریت بحران‌های محلی تبدیل کرد، اما اتکای این اقتدار به انسجام دولت مرکزی سبب شد پس از فروپاشی صفویه، جایگاهشان آسیب‌پذیر شود و ساختار ایلی دچار تزلزل گردد. در دوره افشاریه، پیوستگی با ارتش نادر، نقش آفرینی زنگنه‌ها در ثبات کرمانشاه و میدان‌های نبرد را پررنگ کرد (مروی، ۱۳۷۴: ۸۸۷؛ سلطانی، ۱۳۷۲: ۵۱۹). با این‌همه، پس از نادر، رقابت‌های درون‌ایلی و ائتلاف‌های مقطعی، سرمایه سیاسی ایل را تحلیل برد (گلستانه، ۱۳۳۴: ۱۳۲).

در گذار پرآشوب میان افشاریه تا تثبیت قدرت کریم‌خان، زنگنه‌ها کوشیدند سهم تاریخی خود در اداره کرمانشاه را نگه دارند. انتصاب الله‌قلی خان زنگنه به حکومت کرمانشاه از سوی کریم خان زند در ۱۱۷۶ق اقدامی سنجیده بود؛ پشتوانه ریشه‌دار محلی، مناصب ملکی-نظامی و سرمایه مذهبی-فرهنگی، آنان را به میانجی مؤثر نظم سیاسی و جلب اعتماد

مردمان مبدل می‌کرد (قزوینی، ۱۳۶۷: ۹۷؛ غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۳۱).

با برآمدن قاجار، آقامحمد خان با شناخت شبکه‌های ایلی، جایگاه لرها، کردها را در معادلات قدرت لحاظ کرد و حکومت کرمانشاه را به زنگنه‌ها سپرد (رستم‌الحکماء، ۱۳۵۸: ۳۶۰)، اما سیاست تمرکزگرایی فتحعلی‌شاه و جابه‌جایی موازنه‌های منطقه‌ای، به افول تدریجی حاکمیت سنتی زنگنه‌ها و برآمدن ایل کلهر در کرمانشاه انجامید (سارویی، ۱۳۷۱: ۲۷۰-۲۸۹؛ اوین، ۱۳۹۱: ۳۳۳). هرچند چهره‌هایی چون مصطفی‌قلی خان (آخرین حاکم زنگنه) در پایتخت و نسل‌های بعدی در مناصب دیوانی و نظامی فعال ماندند (هدایت، ۱۳۴۴: ۷۱۵-۷۱۶؛ کرمانشاهی، ۱۳۷۰: ۱۸۸). این استمرار بیش از آنکه بازتولید اقتدار محلی باشد، نشانه ادغام ایلات در دیوان‌سالاری مرکزی و تحول اقتدار از سطح طایفه به دولت بود.

اهمیت ایالت آذربایجان و ساختار دیوانی تبریز: مطالعه‌ای بر جایگاه محمدخان زنگنه در عصر قاجار

پس از انتصاب عباس‌میرزا به ولیعهدی در ۱۲۱۳ق (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۲۴۰) و در پی حملات روسیه تزاری و جنگ‌های ایران و روس، تبریز که پیش‌تر ایالتی مرزی بود، به «ولیعهدنشین» رسمی قاجار بدل شد (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۲۵). این تحول، تبریز را به دومین قطب قدرت سیاسی و یکی از مراکز مهم ژئوپلیتیکی کشور ارتقا داد. حمایت مستقیم عباس‌میرزا، شهر را به کانون نوگرایی و محل اجرای نخستین اصلاحات اداری، آموزشی و نظامی قاجاریه تبدیل کرد (سلماسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۲؛ موریه، ۱۳۸۶: ۲۶۵-۲۶۹؛ اسناد آرشیو ملی ایران، ۱/۷۳۱/۲۹۶۱ و ۱/۷۲۹/۱-۲۹۶).

برای اداره این مرکز حساس، دیوانی کارآمد و تلفیقی از سنت و نوآوری شکل گرفت (آدمیت، ۱۳۸۷: ۱۶۰). در رأس آن «قائم‌مقام» قرار داشت که نقش نخست‌وزیر محلی را ایفا می‌کرد. همچنین مناصبی چون «وزیر آذربایجان»، «مستوفی» (امور مالی)، «میرزاها» و «ناظران» مکمل ساختار بودند. این نظام اداری عملاً استقلال نسبی داشت و موازی با دیوان مرکزی عمل می‌کرد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند ۲۹۶/۲۱۶۴۴). در کنار آن،

بخش‌هایی چون دیوان عرض، دفتر منشی‌ها، قوریساول، نسقچی، ایشیک‌آقاسی، قاضی عسکر، پزشک و امیرآخور نیز فعالیت داشتند (خاوری شیرازی، همان: ۸۵۸؛ سپهر، همان: ۴۳۷). مستوفیان این دیوان علاوه بر امور مالی، مأموریت‌های سیاسی نیز بر عهده می‌گرفتند (سپهر، ۱۳۷۷: ۲۱۶).

حکومت محلی آذربایجان بر پنج رکن اصلی استوار بود: ریاست قشون، صاحب‌دیوان، رئیس دفتر استیفاء، کارگزار امور خارجی و مدیر گمرکات (شکری، حسینی، محمدی و میقاتی، ۱۴۰۰: ۱۳۵). با توجه به شرایط جنگی، مناصب تازه‌ای مانند «امیرنظام» و «وزیر نظام» ایجاد شد که در این میان، «امیرنظام» عالی‌ترین مقام نظامی ارتش آذربایجان به شمار می‌رفت (قدیمی قیداری و هاشمیلر، ۱۳۹۸: ۹۵-۱۱۶).

محمدخان زنگنه در جایگاه «امیرنظام آذربایجان» نقشی کلیدی ایفا کرد. او علاوه بر فرماندهی و سازمان‌دهی قشون و طراحی اصلاحات، در غیاب عباس‌میرزا مسئولیت پیشکاری فریدون میرزا و اداره کل آذربایجان را نیز بر عهده داشت (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۷۹؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۴۵۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۶۰۶). بدین ترتیب، هم‌زمان نقش نظامی و سیاسی او را به حلقه اتصال میان قشون و دیوان بدل ساخت (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۵۲۶؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۷۸۹). این موقعیت دوگانه، جایگاه امیرنظام را به یکی از ارکان پنج‌گانه قدرت در آذربایجان ارتقا داد و موجب تثبیت اقتدار ولیعهد و کارآمدی دیوان‌سالاری شد (آرشیو ملی ایران، سند ۹۵/۲۹۶/۵۳۰).

پیشینه و چگونگی حضور محمدخان زنگنه در دربار عباس‌میرزا

محمدخان زنگنه، چهره‌ای کلیدی تاریخ قاجار، نه تنها به واسطه تبار خود، فرزند حاج علی‌خان زنگنه، حاکم مقتدر کرمانشاه در دوران زندیه، بلکه به دلیل شایستگی فردی و وفاداری، جایگاهی رفیع در عرصه سیاسی و نظامی آذربایجان یافت. گرچه اطلاعات دقیقی از سال‌های آغازین زندگی او در دست نیست، ورودش به دربار عباس‌میرزا در تبریز، نقطه عطفی بود که زمینه‌ساز بروز استعدادها و ارتقای سریع وی شد. تقیدات مذهبی، روحیه مردم‌داری و وفاداری او، مورد توجه عباس‌میرزا قرار گرفت و او را از معتمدان و کارگزاران

اصلی ولیعهد ساخت (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۴۳). عباس میرزا که به اهمیت آذربایجان واقف بود منطقه‌ای با موقعیت خاص جغرافیایی، حاصلخیزی، اهمیت تجاری و همسایگی با قدرت‌های بزرگ چون روسیه و عثمانی (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹۴؛ دورویل، ۱۳۶۵: ۱۲؛ شمیم، ۱۳۴۲: ۷۶) محمدخان را عنصری کارآمد برای حفظ ثبات و امنیت این منطقه می‌دید. حضور پرننگ محمدخان در جنگ‌های ایران و روس، چه فرمانده نظامی و چه امیرنظام آذربایجان، بیانگر اهمیت و تأثیرگذاری او در تحولات سیاسی و نظامی آن دوران است (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۴۴). وی تا آخرین لحظات حیات عباس میرزا، وفادارانه در کنارش ماند و در خدمت به اهداف او کوشید (هدایت، ۱۳۸۹: ۷۸۷۱؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۳۶-۳۷).

با خروج عباس میرزا از آذربایجان برای سرکوب شورش ولایات شرقی (۱۲۴۷-۱۲۴۹ق) و انتصاب ظاهری فریدون میرزا به حکومت، نقش محمدخان زنگنه برجسته‌تر شد. در این دوره، به دستور عباس میرزا، مسئولیت اداره امور آذربایجان و حفظ ارتباط با نمایندگان سیاسی دول خارجی در تبریز را بر عهده گرفت (اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روس و عثمانی، ۱۳۶۵: ۱۵). این مسئولیت سنگین، نشان از اعتماد عمیق عباس میرزا به وی داشت و او را محور اصلی تصمیم‌گیری در آذربایجان مطرح می‌ساخت. مکاتبات عباس میرزا با پاشایان عثمانی نیز این موضوع را تأیید می‌کند؛ او محمدخان را نماینده تام‌الاختیار خود در آذربایجان معرفی کرده و مسئولیت سامان‌دهی امور مهم کشوری را به او می‌سپارد (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران دوره قاجاریه، ۱۳۶۶: ۱۳۱-۱۳۳). اگرچه فریدون میرزا به جانشینی عباس میرزا و میرزا اسحاق فراهانی نیز به سمت وزیر او انتخاب شده بودند (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۹۵۴؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۷۸۹؛ اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روس و عثمانی، ۱۳۶۵: ۳۳)، قدرت اصلی در عمل در دستان محمدخان زنگنه متمرکز بود (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۴۵؛ قدیمی قیداری و هاشمیلر، ۱۴۰۰: ۱۳۰). در این دوره پرتلاطم، محمدخان زنگنه، در رأس قشون آذربایجان، مسئولیت سنگینی بر عهده داشت. حفظ امنیت و آرامش در ایالت آذربایجان، با توجه به موقعیت استراتژیک آن به‌عنوان منطقه‌ای مرزی هم‌جوار با دو قدرت بزرگ آن زمان (روسیه و عثمانی)، وظایف او را بسیار متنوع و پیچیده می‌ساخت. در مجموع، وظایف او را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

الف) نقش در سیاست داخلی آذربایجان

- حفظ نظم و امنیت داخلی ایالت

محمدخان زنگنه، به‌عنوان امیرنظام و درواقع حاکم آذربایجان، مسئولیت حفظ نظم و امنیت عمومی در سراسر ایالت، از شهرها تا روستاها را بر عهده داشت و وظیفه مقابله با هرگونه شورش یا ناآرامی داخلی را بر دوش می‌کشید (جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۱۶۰؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی، به شماره ۲۹۶/۲۱۴). براساس فرمان قائم‌مقام فراهانی، همه بزرگان و شاهزادگان قاجار مقیم آذربایجان ملزم به اطاعت از او و پرهیز از ایجاد هرگونه تفرقه بودند (فراهانی، بی‌تا: ۷۶). وظایف و مسئولیت‌های وی در جهت ایجاد نظم و امنیت داخلی ایالت، به شرح زیر بود:

۱. حفاظت از اموال و املاک: حفاظت از اموال و املاک خوانین و اشراف بومی آذربایجان، جلوگیری از تعرض به آن‌ها و جبران خسارات احتمالی (رقم‌ها و فرمان‌های دوره قاجار، ۱۳۷۱: ۱۰۸-۱۰۹؛ منشآت قائم‌مقام فراهانی، بی‌تا: ۱۷۰)؛
۲. تأیید مقامات محلی: تأیید و تصدیق کدخدایان محلات، داروغگان بازار و میر شهبها که توسط کلانتران معرفی می‌شدند (کیان‌فر، ۱۳۸۹: ۶۰)؛
۳. رسیدگی به شکایات: رسیدگی به شکایات و مطالبات مأموران دولتی و پیگیری استرداد حقوق پرداخت‌نشده آن‌ها توسط شاهزادگان قاجار (منشآت قائم‌مقام، بی‌تا: ۱۷۰)؛
۴. نگاه‌داری از اموال دولتی: نگاه‌داری و اداره اموال دولتی که به‌طور رسمی بر عهده وزیر ایالت بود، اما در غیاب عباس‌میرزا، به محمدخان زنگنه محول می‌شد. مدیریت کارآمد او باعث شد آذربایجان در این دوره از مشکلات جدی اقتصادی و مدیریتی مصون بماند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۲۰۲؛ افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۷۶)؛
۵. نظارت بر امور مالیاتی: نظارت بر عملکرد ضابطان مالیاتی، تنبیه یا عزل آن‌ها در صورت تخلف، و در موارد ضروری، بخشودگی یا بقای مالیات (منشآت قائم‌مقام، بی‌تا: ۹۴-۹۶)؛

۶. مدیریت بحران‌ها: رسیدگی به بحران‌های مختلف، مانند رسیدگی فوری به شکایت زنان تبریزی از گرانی نان و مجازات نانوایان متخلف. این اقدام، نشان‌دهنده توجه و حساسیت محمدخان به مشکلات مردم و تلاش او برای حفظ نظم و عدالت بود (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۴۶؛ اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۵۹/۸۹۰)؛

۷. خدمات عمرانی و عام‌المنفعه: انجام پروژه‌های عمرانی و عام‌المنفعه، مانند ایجاد قنات‌ها و تعمیر و مرمت اماکن متبرکه (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۳۴).

– مقابله با شورش‌ها و ناآرامی‌ها و تأمین امنیت مرزها

در غیاب عباس میرزا، برخی از ایلات مرزی با تحریک عوامل خارجی، به‌ویژه از سوی دولت عثمانی، دست به ناآرامی و شورش می‌زدند. محمدخان زنگنه با بسیج نیروهای نظامی و استفاده از ظرفیت‌های محلی، تلاش می‌کرد تا این ناآرامی‌ها را سرکوب کرده و امنیت مرزها را تأمین نماید (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۹۶۵). به‌عنوان مثال، شاه مراد بیگ میر رواندوز از اکراد کردستان و حاکم کوی و حریر، به بلوک ساوجبلاغ مکرری دست‌اندازی کرد. امیرنظام با جهانگیر میرزا و دو هزار تن از سواران کرد و هماهنگی با مقامات عثمانی، توانست این تهدید را مهار کرده و از گسترش ناآرامی‌ها جلوگیری نماید (اسناد رسمی در روابط ایران و روس و انگلیس و عثمانی، ۱۳۶۵: ۱۴۵-۱۴۶؛ گزیده اسناد روابط سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۶۹: ۵۳۰، ۸۰۰).

– پذیرایی و میزبانی از مأموران و نمایندگان سیاسی داخلی و خارجی

یکی از جنبه‌های مهم نقش محمدخان زنگنه در آذربایجان، میزبانی و پذیرایی از رجال و نمایندگان سیاسی داخلی و خارجی بود. به‌عنوان مثال، با ورود خسرو میرزا (پسر هفتم عباس میرزا) به تبریز در ۱۲۴۸ قمری، محمدخان زنگنه و جمعی از بزرگان ایالت از وی استقبال کردند (افشار، ۱۳۴۹: ۱۲). در همین سال، سیمونیچ، نماینده سیاسی دولت روسیه در مسیر عزیمت به تهران، مورد استقبال و پذیرایی امیرنظام قرار گرفت (قائم‌مقام، بی‌تا: ۲۱۷-۲۱۸). همچنین، در سال ۱۲۵۷ قمری، کنت دوسرسی، نماینده دولت فرانسه، مدتی را در

تبریز سپری کرد و در این مدت موردپذیرایی امیرنظام زنگنه قرار گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۶۰۱؛ اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۹۷/۲۹۳/۱۷۲؛ و سند شماره ۲۵۹/۸۹۰).

- اجرای دستورات ویژه عباس میرزا توسط محمدخان زنگنه

محمدخان زنگنه، علاوه بر وظایف عمومی و معمول خود، مسئول اجرای دستورات ویژه و فوری عباس میرزا نیز بود. این دستورات که در منشآت قائم مقام ذکر شده‌اند، نشان‌دهنده اعتماد ویژه عباس میرزا به محمدخان زنگنه در حل مسائل مهم و حساس سیاسی، نظامی و مالی است. نامه‌ای از عباس میرزا به تاریخ ۱۲۴۹ قمری، مجموعه‌ای از این دستورات متنوع را شامل می‌شود:

۱. دلجویی از محمود پاشا: عباس میرزا در این فرمان، از محمدخان می‌خواهد که محمود پاشا (یکی از بزرگان بانفوذ سردشت) را به تسلیم در برابر نیروهای دولتی و دست کشیدن از سرکشی ترغیب نماید. در صورت عدم اطاعت، امیرنظام مجاز است هرگونه اقدامی را که صلاح می‌داند، انجام دهد (منشآت قائم مقام، بی تا: ۹۲)؛
۲. درخواست مهلت از روسیه: مذاکره با دولت روسیه برای پرداخت آخرین قسط غرامت جنگی و ارسال نامه به این منظور، به‌وسیله محمدحسین خان زنگنه (ایشیک آقاسی باشی دربار) بوده است (همان: ۹۲)؛
۳. حل و فصل مسائل سلیمانیه: اعزام محمدخان سرتیپ ایروانی به سلیمانیه جهت رسیدگی و حل و فصل مسائل و مشکلات موجود در آن منطقه، و نیز تأکید بر اجرای احکام قبلی صادرشده در مورد ایل شاطرانلو و خلخال، از جمله دستورات دیگر است (همان: ۹۲-۹۴)؛
۴. وصول مطالبات دیوانی: دستور پیگیری و وصول مطالبات دیوانی از حاکم مرند و مراغه صادر شده است. در خصوص املاک اروتنق و مهران رود نیز، محمدخان باید با مشورت بزرگان منطقه، هرگونه اقدامی را که صلاح می‌داند انجام دهد. همچنین، برای رفع اعتراض شاهزاده ملک قاسم میرزا، مقرر گردیده که املاک واگذارشده، در مالکیت او باقی بماند (همان: ۹۳)؛

۵. حل اختلافات خانوادگی: رسیدگی و حل‌وفصل اختلاف میان طهماسب میرزا و حشمت‌الدوله (فرزندان دولت‌شاه متوفی) با در نظر گرفتن رضایت هر دو طرف، از دیگر وظایف محول شده به محمدخان زنگنه بوده‌است. (منشآت قائم‌مقام، بی‌تا: ۹۳)؛

۶. ارسال تسلیحات به خراسان: به‌عنوان نمونه، ارسال ۵۰۰ قبضه تفنگ هدایی تزار روسیه به خراسان برای تقویت نیروهای عمل‌کننده در آن منطقه، در دستور کار قرار داشته‌است (منشآت قائم‌مقام، بی‌تا: ۹۴).

ب) دیپلماسی و سیاست خارجی

در دوره قاجار، به‌ویژه در زمان ولیعهدی عباس‌میرزا، محمدخان زنگنه، نقشی فراتر از یک مقام ایالتی در سیاست خارجی ایران ایفا کرد. استقرار عباس‌میرزا در تبریز، این شهر را به کانونی برای تعامل با قدرت‌های خارجی، به‌ویژه روسیه، انگلستان و عثمانی تبدیل کرد و نمایندگان سیاسی دولت‌های اروپایی عمدتاً در تبریز اقامت داشتند (سلماسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۲). محمدخان زنگنه به‌عنوان امیرنظام، در هدایت و اجرای سیاست خارجی ایران در سطح ایالتی نقشی کلیدی داشت؛ نقشی که در غیبت عباس‌میرزا، به‌ویژه در سفر سه‌ساله او به خراسان (۱۲۴۷-۱۲۴۹ق)، برجسته‌تر شد.

۱. روابط با انگلستان: تأمین نیازهای نظامی از طریق دیپلماسی

وابستگی دولت قاجار به واردات تسلیحات از انگلستان، اهمیت روابط با این کشور را دوچندان می‌ساخت. محمدخان زنگنه در مذاکرات با سر جان کمبل، نماینده سیاسی انگلستان، نقشی محوری در تأمین نیازهای نظامی سپاه اعزامی به خراسان ایفا نمود (اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روس و عثمانی، ۱۳۶۵: ۶۵). این مذاکرات بر تأمین سلاح، مهمات و رفع کمبودهای لجستیکی سپاه آذربایجان متمرکز بود. به‌عنوان مثال، وی از کمبل درخواست تأمین هشت هزار قبضه تفنگ و در سال ۱۲۴۷ق، دو هزار قبضه تفنگ دیگر، و همچنین وام مالی از دولت انگلستان را مطرح کرد (همان: ۶۴-۶۵، ۸۱-۸۲، ۱۱۳).

نامه‌ای از کمبل به عباس میرزا، محمدخان زنگنه را فردی پرتلاش و مؤثر در حل مشکلات تدارکاتی سپاه توصیف می‌کند (همان: ۱۱۷) که نشان‌دهنده نقش سازنده او در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران است. اعلام خبر سفارت سر جان کمبل به امیرنظام (۱۲۴۸ق) (همان: ۱۲۲-۱۲۳) و استفاده از ارتباط با کمبل برای اطلاع‌رسانی به سلطان عثمانی درباره شورش مراد بیگ حاکم کوی و حریر (همان: ۱۴۴)، جایگاه مهم وی در روابط ایران و انگلستان و هوشمندی او در استفاده از دیپلماسی برای تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای را نمایان می‌سازد.

۲. روابط با روسیه: مدیریت چالش‌ها و پیگیری منافع تجاری

روابط ایران و روسیه به دلیل جنگ‌های پیشین و قراردادهای تحمیلی، پیچیده و حساس بود. محمدخان زنگنه در این شرایط، نقشی مهم در مدیریت چالش‌ها و پیگیری منافع تجاری ایران ایفا کرد. در غیاب عباس میرزا، او بارها با نیکلای بزک، کنسول روسیه، درباره مسائلی چون مشکلات ناشی از معاهده تجاری ضمیمه قرارداد ترکمانچای (۱۱ جمادی‌الاول ۱۲۴۷ق) (قاضیها، ۱۳۷۴: ۱۵۵) و قتل سه تاجر روسی در خوی (۲۸ ربیع‌الاول ۱۲۵۰ق) مذاکره کرد. هرچند گزارش‌هایی از اهمال زنگنه در تنبیه قاتلان وجود دارد (همان: ۲۱۹-۲۲۱)، اما این مذاکرات، نقش محوری او در مدیریت روابط با روسیه و پیگیری مسائل مربوط به اتباع و منافع تجاری این کشور در آذربایجان را نشان می‌دهد. همچنین او در استخدام اتباع اروپایی تحت حمایت روسیه و تعیین حقوق و مزایای آنان نقش داشت. این اقدامات، تلاش محمدخان برای حفظ تعادل در روابط با روسیه و دفاع از منافع ایران در این روابط پیچیده را نمایان می‌سازد.

۳. حل‌وفصل مسائل ایلات مرزی ایران و عثمانی: تلاش برای حفظ ثبات و امنیت

روابط ایران و عثمانی به دلیل اختلافات مرزی و مسائل ایلات مرزنشین، همواره پرتنش بود. محمدخان زنگنه در مدیریت این تنش‌ها و حل‌وفصل مسائل ایلات مرزی نقش مهمی داشت. وظیفه اصلی او رسیدگی به برخورد عشایر مرزنشین، تعیین تابعیت ایلات سرحدی و رفع مشکلات ناشی از بیلاق و قشلاق آنان بود (بیات، ۱۳۷۴: ۳۹-۴۰). او تلاش می‌کرد از

بروز مشکلات جلوگیری کند و در صورت وقوع، به‌سرعت رسیدگی نماید. به‌عنوان مثال، در ۲۹ جمادی‌الاول ۱۲۳۶ق، با سفرای عثمانی مذاکراتی برای اخراج ایل جلالی از خاک عثمانی انجام داد (نصیری، ۱۳۶۶: ۲۵۰؛ اسناد منتشرنشده کریم‌زاده تبریزی، بی‌تا: ۷۰-۷۳).

در سال ۱۲۴۷ق، او با شورش ایل جلالی و سیبکی مقابله کرد و شاه مراد بیگ، حاکم کوی و حریر که سردشت را تصرف کرده بود، سرکوب و متقاعد به همکاری نمود (نصیری، ۱۳۶۶: ۱۴-۱۵؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۱۶۰؛ *گزیده اسناد روابط سیاسی ایران و عثمانی*، ۱۳۶۹: ۵۳۰). پس از مرگ عباس میرزا، وی با شورش‌های بیشتر ایل جلالی در خوی و ماکو مقابله کرده و جهانگیر میرزا را برای سرکوب آن‌ها مأمور کرد (جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۱۶۰، ۱۹۸، ۲۰۶). اقدامات محمدخان زنگنه در این زمینه، تعهد او به حفظ ثبات و امنیت منطقه و دفاع از منافع ایران در مرزهای غربی را نشان می‌دهد. در مجموع، محمدخان زنگنه نقشی چندوجهی و مهم در سیاست خارجی ایران در دوره قاجار ایفا کرد. او با تعامل با قدرت‌های خارجی، مدیریت چالش‌ها، پیگیری منافع تجاری و تلاش برای حفظ ثبات در مناطق مرزی، به پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران کمک شایانی نمود.

– مسائل مرزی پس از فوت عباس‌میرزا: پیگیری حقوق تجار ایرانی

در عصر قاجار، تجار به دلیل جایگاه اقتصادی و اجتماعی‌شان، موردتوجه ویژه شاه و حکام بودند و امنیت شغلی و منافعشان در اولویت قرار داشت (ویولت شکیب، طبیبیان و قدیمی قیداری، ۱۴۰۰: ۲۷۴). در زمان ولیعهدی محمد میرزا قاجار، ناامنی ناشی از فعالیت ایلات مرزنشین، مستقیماً بر فعالیت تجار و امنیت کاروان‌های تجاری اثر می‌گذاشت و غارت آن‌ها خسارات جبران‌ناپذیری به بازرگانان وارد می‌کرد.

ایل جلالی، یکی از مهم‌ترین ایلات مرزی، به غارت و راهزنی ادامه می‌داد و هنگام فرار به خاک روسیه، کاروان‌های تجاری را هدف قرار می‌داد. محمد میرزا، از روسیه درخواست کرد تا از ورود این ایل جلوگیری کند (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۲۰۴؛ *گزیده اسناد سیاسی روابط ایران و عثمانی*، ۱۳۶۹: ۷۳۵).

محمدخان زنگنه، برای حفظ حقوق تجار و امنیت مرزها، اقدامات جدی‌تری آغاز کرد.

ابتدا با سرعسکر ارزروم مکاتبه و اموال مسروقه را مطالبه نمود. پس از عدم نتیجه‌گیری، جهانگیر میرزا را با نیروهایی برای سرکوب ایل جلالی اعزام کرد. نیروهای اعزامی، علاوه بر تنبیه جلالی‌ها، تعدادی از احشام آن‌ها را به غنیمت گرفتند (هدایت، ۱۳۸۰: ۸۰؛ گزیده/اسناد روابط سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۶۹: ۵۳۹).

محمدخان زنگنه با سپاهی از آذربایجان، در محلی به نام قازی‌گول با محمود اسعد پاشا، سرعسکر ارزروم، مذاکره کرد (نصیری، ۱۳۶۸: ۱۶۲). این مذاکره به نتیجه رسید و مقرر شد علاوه بر اخراج ایل جلالی و ایلات فراری دیگر، مبلغ ۷۰ هزار تومان به‌عنوان خسارت به تجار ایرانی پرداخت شود (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

در سال ۱۲۴۹ قمری، ایلات «زیلان، جلالی و جمادینلو» هنگام فرار به خاک عثمانی، کاروان تجاری ایران در منطقه قره‌کلیسا را غارت و چند تاجر را به قتل رساندند. محمدخان زنگنه به منطقه مرزی قازی‌گول رفته و با والی ارزروم مذاکره کرد. این مذاکرات در آغاز پادشاهی محمدشاه قاجار از سر گرفته شد و توافق شد که ایلات مذکور تا یک سال در خاک عثمانی بمانند و سپس عودت داده شوند. همچنین مقرر شد اموال غارت‌شده مسترد و در صورت ارتکاب تخلف، دولت عثمانی آن‌ها را مجازات نماید (نصیری، ۱۳۶۸: ۱۴۵).

ج) نقش محمدخان زنگنه در تثبیت سلطنت محمدشاه: حمایت نظامی از ولیعهد جدید

محمدخان زنگنه، در دوره محمدشاه قاجار نیز همچون دوره عباس‌میرزا، نقشی برجسته در تحولات سیاسی و نظامی ایران ایفا کرد. پس از درگذشت فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۵۰ق، در شرایطی که کشور با بحران جانشینی و مدعیان متعدد سلطنت روبرو بود، محمدخان با حمایت نظامی از ولیعهد جدید، محمد میرزا، در تثبیت سلطنت او نقشی بسزا داشت. این حمایت، همراه با اعتماد و تدبیر قائم‌مقام فراهانی، زمینه‌ساز انتقال آرام قدرت و جلوگیری از جنگ داخلی شد.

با رسیدن خبر درگذشت فتحعلی‌شاه به تبریز، محمد میرزا، با مساعدت قائم‌مقام فراهانی خود را پادشاه ایران اعلام کرد و به‌سرعت عازم تهران شد، اما این انتقال قدرت با

چالش‌های جدی روبرو بود، زیرا شاهزادگان دیگر قاجاری، از جمله ظل‌السلطان (حاکم تهران) و حسینعلی میرزا (حکمران شیراز)، نیز مدعی سلطنت بودند و این امر می‌توانست به بروز جنگ داخلی و بی‌ثباتی منجر شود (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۴۲۰).

در این شرایط بحرانی، قائم‌مقام فراهانی نقشی کلیدی در حمایت از محمد میرزا ایفا کرد. او برای تثبیت سلطنت ولیعهد، به حمایت نظامی قوی و سرکوب مدعیان نیاز داشت. بدین منظور، قائم‌مقام، محمدخان زنگنه، فرمانده سپاه آذربایجان را که در مرز ایران و عثمانی مشغول وظیفه بود، به صورت محرمانه به تبریز فراخواند. او را همراه با فریدون میرزا در تبریز باقی گذاشت تا از نظر مالی و نظامی از شاه جدید حمایت کنند. سپس، سپاهی شامل حدود شش هزار نفر و چهار عراده توپ از آذربایجان به سمت تهران روانه کرد (جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۲۲۶).

اعزام این سپاه مجهز به تهران، نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت سلطنت محمدشاه ایفا کرد. حضور نیروهای نظامی آذربایجان در تهران، باعث رعب و وحشت در میان مدعیان سلطنت شد و از هرگونه اقدام نظامی علیه محمدشاه جلوگیری کرد. بدین ترتیب، حمایت نظامی محمدخان زنگنه از ولیعهد، با اعزام سپاهی مجهز به تهران، در مهار مدعیان سلطنت و برقراری نظم و ثبات در کشور نقش مهمی ایفا نمود (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۴۵). اعتماد قائم‌مقام فراهانی به محمدخان زنگنه و سپردن مسئولیت فرماندهی سپاه آذربایجان به او، نشان‌دهنده جایگاه ویژه وی در دستگاه حکومتی قاجار بود.

– برخی اقدامات محمدخان زنگنه در زمان محمدشاه

در سال ۱۲۵۰ق، محمدخان زنگنه مجدداً به دلیل اختلافات مرزی با نماینده دولت عثمانی مذاکره کرد (اسناد رسمی، ۱۷/۲). او همچنین برای ایجاد صلح میان ایران و عثمانی، نامه‌ای به صدراعظم عثمانی نوشت و او را از اوضاع منطقه و عوامل اخلال در روابط دو دولت آگاه کرد. وی از تسلط فردی به نام محمد پاشا بر منطقه عماد صحبت کرد و اقدامات خود علیه این شخص و حملات او در ۱۲۴۸ق به ناحیه سردشت ایران را یادآوری نمود. او از صدراعظم عثمانی درخواست کمک برای سرکوبی این فرد شورشی کرد (همان: ۱۲۷-۱۲۸).

مناصب محمدخان زنگنه در دوره محمدشاه قاجار

محمدخان زنگنه از چهره‌های شاخص نظامی و سیاسی دوره محمدشاه قاجار بود که به‌واسطه خدماتش در آذربایجان به مقامات بلندمرتبه‌ای دست یافت:

۱. فرماندهی کل سپاه ایران و لقب امیرکبیر (۱۲۵۱ق/ ۱۸۳۵م)

به دلیل خدمات شایان محمدخان زنگنه در آذربایجان، محمدشاه در سال ۱۲۵۱ق (۱۸۳۵م) او را به فرماندهی کل سپاه ایران منصوب و لقب امیرکبیر به او اعطا کرد (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۱۲). ژول فرناند فلاندن، جهانگرد فرانسوی، محمدخان را «افسر ارشد ایران» نامیده‌است (فلاندن، ۱۸۳۳: ۷۶، ۱۳۱). اختیار تعیین مقامات نظامی دربار، موجب نقد و تیول و صدور حکم مأموریت افراد و افواج به او واگذار شد (اسناد آرشیو ملی ایران، سندهای شماره ۲۹۵/۴۸۶۲ و ۲۹۵/۴۳۴ و ۲۳۲/۷۸۹ و ۲۳۲/۲۶۸۱).

۲. پیشکاری ولیعهد (۱۲۵۱ق/ ۱۸۳۵م)

فریدون میرزا به تهران احضار شد و به‌جای او، ناصرالدین میرزای ولیعهد به همراه عمویش قهرمان میرزا، راهی حکومت آذربایجان شد. محمدخان زنگنه بار دیگر به پیشکاری ولیعهد جدید مأمور گردید (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۷۴). یکی از رویدادهای مهم در زمان پیشکاری او در آذربایجان، دیدار ولیعهد، ناصرالدین میرزا با نیکولای اول، تزار روس بود (جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۲۶۱).

۳. وزارت قهرمان میرزا در آذربایجان

پس از قتل قائم‌مقام فراهانی، محمدشاه قاجار، امیرنظام زنگنه به همراه نیروهای آذربایجان به تهران فراخوانده شد. هم‌زمان، محمدخان مسئولیت تجدید سازمان قوای نظامی تهران را بر عهده گرفت (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۶۷). این انتصابات، زمزمه‌هایی مبنی بر احتمال صدارت امیرنظام را در پی داشت و رجال درباری به ملاقات وی شتافتند (جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۲۴۹)، اما حاج میرزا آقاسی به صدارت رسید (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۴۵). دلایل عدم انتخاب محمدخان مشخص نیست، احتمالاً به رقابت‌های درباری یا مخالفت گروه‌هایی

ذی‌نفوذ ملاحظات سیاسی، یا مخالفت برخی گروه‌های ذی‌نفوذ بازمی‌گردد.

پس از این انتصاب، محمدشاه، برادرش قهرمان میرزا را به حکومت آذربایجان منصوب کرد، اما وزارت منطقه همچنان بر عهده امیرنظام زنگنه بود (سپهر، ۱۳۷۷: ۶۵۷؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۴۴۱-۴۴۲؛ بامداد، ۱۳۷۱: ۱۳۱). این بدان معناست که قهرمان میرزا به‌عنوان حاکم اسمی، به تجربه امیرنظام در اداره امور منطقه وابسته بود. این وقایع، پیچیدگی‌های سیاسی و رقابت‌های درباری دوره محمدشاه را نشان می‌دهد و بر نقش کلیدی امیرنظام زنگنه و قهرمان میرزا تأکید دارد. در مجموع، محمدخان زنگنه در دوره محمدشاه، نقشی برجسته به‌عنوان نظامی و سیاسی ایفا کرد (قدیمی قیداری، و هاشمیلر، ۱۳۹۸: ۱۰۰). حمایت از سلطنت محمدشاه، حفظ امنیت مرزها، پیگیری حقوق تجار ایرانی و تصدی مناصب مهم، به تثبیت قدرت قاجار کمک کرد. تداوم حضور و نفوذ او، نشان‌دهنده اعتماد شاه و رجال سیاسی به توانایی‌هایش بود.

دیپلماسی امیرنظام در بحران و ثبات: سفرهای محمدخان به امپراتوری تزاری (۱۲۴۵-۱۲۵۳ق)

حادثه قتل گریبایدوف، سفیر روسیه در تهران (۱۲۴۴ق/۱۸۲۹م)، ایران را در آستانه درگیری با امپراتوری تزار قرار داد. در این شرایط، اعزام هیئتی به رهبری خسرو میرزا، فرزند عباس میرزا، و چند تن از بزرگان از جمله «محمدخان امیرنظام زنگنه» به سن‌پترزبورگ، تلاشی برای رفع بحران و نمایشی از درایت سیاسی ایران بود (قائم‌مقامی، اسناد منتشرنشده، بررسی‌های تاریخی، سال چهارم، ش ۵ و ۶). اعتماد بی‌بدیل عباس میرزا به محمدخان زنگنه که با توصیه به تبعیت کامل خسرو میرزا از «سخن و صلاح امیرنظام زنگنه» همراه بود، اهمیت این هیئت را دوچندان کرد. این مأموریت فراتر از عذرخواهی بود؛ تلاشی بود برای مدیریت روابط با روسیه، رفع اتهام و کاستن از فشارهای ناشی از غرامات عهدنامه ترکمانچای. موفقیت این هیئت در تثبیت روابط و بخشش بخشی از غرامات (یادگار، ش ۸، ص ۲۷-۳۵)، گواهی بر توان دیپلماتیک ایران و نقش تعیین‌کننده محمدخان زنگنه در معادلات سیاسی و بین‌المللی آن عصر بود.

گذار به دوره ناصری و استمرار نقش (۱۲۵۳ ق): دیپلماسی در سایه ولیعهدی

در سال ۱۲۵۳ ق، هم‌زمان با آمادگی محمدشاه برای حمله به هرات، محمدخان زنگنه نقشی متفاوت در صحنه دیپلماسی ایفا کرد. هم‌زمان با حضور نیکولای اول در قفقاز و تمایل او به دیدار با شاه ایران، محمدشاه، ولیعهد خردسال خود، ناصرالدین میرزا، را به همراهی محمدخان زنگنه به ملاقات تزار در ایروان فرستاد (جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۲۶۱). این اقدام، مدیریت بحران احتمالی در روابط با روسیه در غیاب شاه و سپردن هدایت سیاسی ولیعهد به یکی از باتجربه‌ترین رجال را هدف قرار داد. دیدار گرم تزار با ناصرالدین میرزا و هیئت ایرانی، نشان از تلاش برای حفظ ثبات داشت. این نقش‌آفرینی‌ها، اهمیت رجال ایل زنگنه را در ساختار قدرت و مناسبات خارجی دوره قاجار، به‌ویژه در سال‌های کلیدی (۱۲۴۷-۱۲۵۷ ق)، برجسته می‌سازد.

نتیجه

پژوهش حاضر با بررسی نقش محمدخان زنگنه در دوره قاجار، به این نتیجه دست یافت که وی نه تنها یک کارگزار صرف در ایالت آذربایجان، بلکه یک شخصیت بانفوذ و تعیین‌کننده در معادلات سیاسی و نظامی ایران آن زمان بوده‌است. محمدخان زنگنه با تکیه بر توانمندی‌های فردی، حمایت‌های دربار قاجار و شناخت دقیق از شرایط منطقه، توانست نقش بسزایی در حفظ امنیت، تثبیت قدرت، و پیشبرد اهداف سیاسی ایران در آذربایجان ایفا نماید.

بررسی عملکرد محمدخان زنگنه در حوزه سیاست داخلی نشان می‌دهد که وی با اعمال مدیریتی کارآمد و اتخاذ تدابیر هوشمندانه، توانست ثبات و آرامش را در آذربایجان برقرار نموده و از بروز ناآرامی‌ها و شورش‌های احتمالی جلوگیری نماید. مقابله با یاعیان و اشرا، سامان‌دهی امور مالیاتی و حمایت از بازرگانان و صنعتگران، از جمله اقدامات مهم محمدخان در این زمینه بوده‌است.

در حوزه سیاست خارجی، محمدخان زنگنه با بهره‌گیری از مهارت‌های دیپلماتیک خود،

توانست روابط ایران با دولت‌های همسایه، به‌ویژه امپراتوری عثمانی و روسیه را مدیریت نموده و از بروز تنش‌ها و درگیری‌های احتمالی جلوگیری نماید. پیگیری حقوق اتباع ایرانی در خارج از کشور، مذاکره با مقامات خارجی در خصوص مسائل مرزی و تلاش برای گسترش روابط تجاری با کشورهای دیگر، از جمله اقدامات مهم محمدخان در این حوزه بوده‌است.

حمایت نظامی محمدخان زنگنه از محمد میرزا در بحران جانشینی پس از فوت فتحعلی‌شاه، نشان از درایت سیاسی و تعهد وی به حفظ نظام قاجاری داشت. اعزام سپاه آذربایجان به تهران و مهار مدعیان سلطنت، نقش بسزایی در تثبیت قدرت محمدشاه و جلوگیری از بروز جنگ داخلی در کشور ایفا نمود. انتصاب محمدخان زنگنه به سمت «فرمانده کل سپاه ایران» و اعطای لقب «امیرکبیر» از سوی محمدشاه، تأییدی بر خدمات ارزنده و جایگاه والای او در دربار قاجار بود. با این حال، عدم انتصاب او به مقام صدارت، پرسش‌هایی را در مورد رقابت‌های سیاسی و ملاحظات خاص دربار برمی‌انگیزد. با وجود این، تداوم نفوذ و حضور او در مناصب مهم، حتی پس از تغییر حاکمان آذربایجان، نشان‌دهنده تداوم اعتماد دربار قاجار به توانایی‌ها و تجارب او بود.

در مجموع، محمدخان زنگنه با بهره‌گیری از ترکیبی از قدرت نظامی، مهارت‌های دیپلماتیک و کاردانی اداری، توانست نقش مؤثری در حفظ و اعتلای ایران در دوره قاجار ایفا نماید. وی با کاردانی و تدبیر خود، توانست اعتماد عباس میرزا و محمدشاه را جلب نموده و به یکی از ارکان اصلی حکومت قاجار تبدیل شود. با وجود این، نقش محمدخان زنگنه در تاریخ قاجار، کمتر موردتوجه پژوهشگران قرار گرفته‌است و ضرورت دارد که در آینده، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام شود. امید است این پژوهش، گامی در جهت معرفی هرچه بیشتر این شخصیت مهم تاریخ ایران باشد.

منابع

کتابها

- اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روس و عثمانی (۱۳۶۵)، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، تهران: تاریخ ایران.
- اسناد و مکاتبات تاریخی ایران قاجاریه (۱۲۳۹-۱۲۶۳ ه ق) (۱۳۶۸)، به اهتمام محمدرضا نصیری، ج ۲، تهران: کیهان.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰)، اکسیرالتواریخ: تاریخ قاجار از آغاز تا ۱۲۵۹، به کوشش جمشید کیانفر، تهران: ویسمن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۳)، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، به تصحیح اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- افشار، میرزا مصطفی (۱۳۴۹)، سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ، به قلم حاج میرزا مسعود مستوفی انصاری، تهران: کتابخانه مستوفی.
- افضلالملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، افضلالتواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران: تاریخ ایران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۷)، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، شرح رجال ایران در قرون ۱۴، ۱۳، ۱۲، ج ۳، تهران: کتابفروشی زوار.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، سفرنامه ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- جهانگیر میرزا (۱۳۲۷)، تاریخ نو شامل حوادث دوره قاجاریه، از سال ۱۲۴۰-۱۲۶۷ ق، به اهتمام عباس اقبال، تهران: کتابخانه علی اکبر علمی و شرکاء.
- خاوری شیرازی، فضل الله (۱۳۸۰)، تاریخ ذوالقرنین، به تصحیح ناصر افشارفر، تهران: کتابخانه و موزه مرکز اسناد مجلس.

- دورویل، گاسپار (۱۳۶۵)، *سفر در ایران (۱۸۱۲-۱۸۱۳)*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شباویز.
- رهبربن، کلاوس میسائیل (۱۳۴۹)، *نظام ایالات در دوره صفوی*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، علمی و فرهنگی.
- ساروی، فتح‌الله (۱۳۷۱)، *تاریخ محمدی (احسن‌التواریخ)*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ، تاریخ سلاطین قاجاریه*، ج ۲، به تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۲)، *جغرافیا و تاریخ مفصل کرمانشاهان*، ج ۲، تهران: ناشر مؤلف.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۴۲)، *ایران در دوره قاجاریه*، تهران: ابن‌سینا.
- فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار (۱۲۱۱-۱۲۶۰)، (۱۳۷۱)، ج ۱، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- فلاندن، اوژن (۱۸۳۳)، *سفرنامه فلاندن*، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: اشراقی.
- قائم‌مقام فراهانی (بی‌تا)، *منشآت*، گردآورنده فرهاد میرزا، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷)، *فوائد‌الصفویة*، تصحیح مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷)، *فوائد‌الصفویة*، به تصحیح دکتر مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کرمانشاهی، آقا احمد (۱۳۷۰)، *مرآت احوال جهان‌نما*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- *گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه* (۱۳۶۹)، ج ۱، تهران: واحد نشر اسناد.
- لاجینی، ابوالقاسم (بی‌تا)، *احوال و دستخط‌های عباس‌میرزا*، تهران: بنگاه مطبوعاتی افشاری.

- مروی، محمد کاظم (۱۳۶۴)، *عالم‌آرای نادری*، حواشی محمد ریاحی، تهران: زوار.
- موسوی طبری، سید مصطفی (۱۳۵۳)، *عباس میرزا قاجار*، تهران: ابن سینا.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶)، *سفرنامه موریه، سفر یکم*، برگردان ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- نادر میرزا (۱۳۶۰)، *تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز*، شرح و تعلیقات محمد مشیری، تهران: اقبال.
- وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۲۹)، *عباسنامه*، به تصحیح ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داودی.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵)، *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی در ایران عصر قاجار*، تهران: معین.
- هدایت، رضاقلی (۱۳۸۰)، *روضه‌الصفای ناصری*، ج ۹ و ۱۰، به تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اسلامیه.

مقالات

- سلماسی‌زاده، محمد (۱۳۸۹)، *تبریز نخستین کانون ترقی خواهی و نوجویی در ایران عصر قاجار*، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱(۱)، ۶۹-۸۹.
- شکری، سهیلا؛ حسینی، میرهادی؛ محمدی، حسین و میقاتی، کاظم (۱۴۰۰)، *بررسی ساختار نظام اداری و سیاسی در آذربایجان عصر ناصری و مظفری*، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۲(۲۸)، ۱۳۱-۱۵۵. Doi:10.22034/JIIPH.2021.13313
- قدیمی قیداری، عباس و هاشمیلر، محدثه (۱۳۹۸)، *نگاهی به منصب امیرنظام در دوره قاجار*، *تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، ۲۹ (۴۴)، پیاپی (۱۳۴)، ۹۵-۱۱۶. Doi:10.22.51/hii2020665.1813
- قدیمی قیداری، عباس و هاشمیلر، محدثه (۱۴۰۰)، *پیشکار در ساختار آذربایجان عصر قاجار*، *تاریخ ایران*، ۱(۱)۱۴، ۱۴۲-۱۲۵.
- ویولت شکیبیا، پریا؛ طبیبیان، منوچهر و قدیمی قیداری، عباس (۱۴۰۰)، *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۰(۲)، ۲۷۱-۲۹۵.

ج) نشریات

- مجله بررسی‌های تاریخی، (۱۳۴۸)، «اسناد منتشرنشده وزارت امور خارجه»، ۴ (۵ و ۶)، ۲۵۵-۳۰۱.
- مجله یادگار، «هیأت نمایندگی ایران به روسیه»، (۱۳۲۴)، ۱ (۸)، ۲۷-۳۵.
- نشریه وزارت امور خارجه، «محمدخان امیرنظام زنگنه»، (۱۳۴۴)، ۱ (۱۱)، ۶۱-۷۳.

د) اسناد

- اسناد منتشرنشده سیاسی مربوط به وزارت خارجه، کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (بی‌تا). مجله بررسی‌های تاریخی، ۱۳ (۳)، ۷۰-۷۴.
- سند شماره ۹۷/۲۹۳/۱۷۲، و سند شماره ۲۵۹/۸۹۰، عنوان سند در سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در خصوص وظایف حکام ایالات در پذیرایی از شاه و مأموران دولتی.
- سند شماره ۲۹۶/۲۱۴، عنوان سند در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در خصوص حفظ امنیت ایالات.
- سند شماره ۲۳۲/۲۶۸۱ آرشیو ملی ایران، اعطای منصب و پرداخت مواجب نقد و تیول.
- سند شماره ۱/۷۲۹/۱-۲۹۶، عنوان سند در آرشیو ملی ایران، سفارش عباس میرزا به فرزندش فریدون میرزا در مهربانی با مردم آذربایجان.
- سند شماره ۲۹۵/۴۳۴ آرشیو ملی ایران، مواجب و حکم مأموریت به افراد و افواج.
- سند شماره ۲۹۵/۴۸۶۲ آرشیو ملی ایران، املاک و مالیات و مواجب صاحب‌منصبان.
- سند شماره ۲۳۲/۷۸۹ آرشیو ملی ایران، پرداخت مستمری از محل مالیات تبریز.
- سند شماره ۱/۷۳۱/۱-۲۹۶، عنوان سند در آرشیو ملی ایران: ارادت عباس میرزا به آذربایجان.
- سند شماره ۹۵/۲۹۶/۵۳۰ آرشیو ملی ایران، سوابق خدمتی امیرکبیر و امیرنظام زنگنه.
- سند شماره ۲۵۹/۸۹۰- اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، عنوان سند رفع مشکل مایحتاج اصلی مردم در ایالات.